

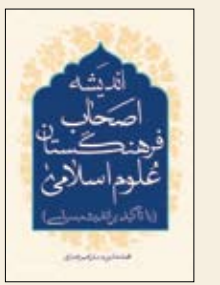
پیش‌خوان

«اندیشه‌س‌اصحاب فرهنگستان علوم اسلامی» در آیینه یک اثر نوانتشار

تولید فکر

از سر دغدغه‌ای سترگ

■ محمدرضا کاتبینی



برابری

بسا پژوهندگان ساحت نظری نظام اسلامی، شناخت «اندیشه‌س‌اصحاب فرهنگستان علوم اسلامی»، می‌تواند جذاب و شوق‌انگیز باشد. هم از این روی انتشار اثری به‌همین

نام را باید به‌فال نیک گرفت و آن را پاسخی به یک نیاز قلمداد کرد. این امر هنگامی اهمیت مضاعف می‌یابد که در دو دهه‌ اخیر، نام و تولیدات فکری فرهنگستان، آوازدهی آن دوچندان یافته‌است. اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، از سوی محمصدقای پورابراهیم عزیزی تألیف شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته‌است. تاز نمای ناشر در اشارتی کوتاه، درباره ضرورت و محتوای تولید این اثر چنین آورده‌است: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با مطرح‌شدن و گسترش یافتن ادعای اداره تمامی امور جامعه و حکومت با مبانی اسلامی، نیاز به روزآمدسازی و تولید تئوری‌هایی چون اقتصاد اسلامی، علم دینی و بومی و فلسفه سیاسی اسلامی، بیش از پیش احساس شد. در این میان، جریان فرهنگستان علوم اسلامی قم نیز با چنین دغدغه‌ای درصدد بر آمد تا با تأسیس فلسفه‌های بدیع (فلسفه‌اسلامی شدن)، به طرح‌ریزی بنیان‌های تمدن نوین اسلامی مبادرت ورزد. این جریان بر آن است که انقلاب اسلامی، مقدمه‌های برای حاکمیت دین اسلام در تمام ابعاد فردی و اجتماعی بشر است و آن را نخستین مرحله از ایده بزرگ تمدن گرایی اسلامی، در مقابل تمدن مدرن می‌داند. از نظر این مرکز، برای بنای تمدن نوین و بزرگ اسلامی، تحقق انقلاب فرهنگی و تحول عمیق علمی و فرهنگی، در سه عرصه حوزه، دانشگاه و نظام



زنده‌یاد حجت‌الاسلام‌والمسلمین

سیدمجتهدالدین حسینی هاشمی

اجرائی ضروری است و تحول مذکور باید در چارچوب ارزش‌های آغازین شکل بگیرد.»

سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی در یادداشتی دیگر در باب ترتیب مطالبی که در این کتاب از آنها سخن می‌رود، می‌نویسد: «اندیشه‌س‌اصحاب فرهنگستان علوم اسلامی (با تأکید بر اندیشه سیاسی، از سوی مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی روانه بازار نشر شد. متعاقب پیروزی انقلاب اسلامی و هم‌زمان با انقلاب فرهنگی، فرهنگستان علوم اسلامی به سمت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمرتضالدین حسینی شیرازی، در سال ۱۳۵۹ در شهر قم تشکیل شد. به اعتقاد مرحوم سیدمرتضالدین حسینی شیرازی منظور از تشکیل این فرهنگستان، انجام فعالیت‌های فرهنگی اعم از تحقیقاتی و آموزشی و ارشادی، جهت تبیین اداره اسلامی امور و شیوه جریان یافتن آن بود، اما از آنجا‌که این جریان کمتر شناخته شده‌است، این اثر به صورتی روشمند می‌کوشد تا منظومه فکری فرهنگستان علوم اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. بنابراین اهمیت و ضرورت این پژوهش، معرفی و شناساندن جریان فکری فرهنگستان است. این کتاب در شش فصل جمع‌بندی شده‌است. فصل اول، تاریخچه شکل‌گیری فرهنگستان را بررسی می‌کند. در فصل دوم، به معرفی خویشن، جماعت و جامعه در نگاه فرهنگستان پرداخته می‌شود. فصل سوم، با عنوان فرهنگستان و مسئله غیرت‌سازی به توضیح غیرت‌سازی‌های فرهنگستان اختصاص دارد. عقلائیات و ادبیات خاص جماعت فرهنگستان، در فصل چهارم به تصویر کشیده می‌شود. در فصل پنجم، به بررسی چالش‌های معرفت‌شناختی‌ونیز راه‌حل‌های سیاسی پیشنه‌های فرهنگستان پرداخته می‌شود. در فصل ششم نیز اندیشه سیاسی اصحاب فرهنگستان علوم اسلامی معرفی و تشریح می‌شود. کتاب اندیشه اصحاب فرهنگستان علوم اسلامی (با تأکید بر اندیشه سیاسی) به قلم محمدصادق پورابراهیم اهوازی، در ۷۲۲ صفحه و در هزار نسخه با قیمت ۳۰ هزار تومان روانه بازار کتاب شده‌است…»

■ **مریم صادقی‌پری**

ایران در سالیان ۱۳۲۰–۱۳۲۲، یکی از عرصه‌های مهم رقابت سه قدرت پیروز جنگ دوم جهانی بود. طی دوران ۲۰ساله دیکتاتوری رضاخان، ایران حیطه نفوذ انحصاری بریتانیا قلمداد می‌شد. یا پان جنگ، فروپاشی امپراتوری استعماری بریتانیا و ورود فصال امپریالیسم جوان و تروتمند امریکا را به صحنه ایران در پی داشت. این‌وود قدرت هر چند در اساس، دارای اهداف استراتژیک و واحدی بودند، اما این وحدت منافع با تضادهایی توأم بود که سرانجام پس از یک دوره کشاکش برای سلطه بر منابع ایران و از میان برداشتن دولت دکتر محمد مصدق به پیوندی کامل رسید. در مسیر ایجاد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شبکه‌های جاسوسی انگلستان و امریکا نقش مهمی را در برنامه‌ریزی و اجرای کودتا ایفا کردند که از جمله آن شبکه «تی‌پی بدامن» بود. این شبکه با استفاده از تبلیغات روانی، جعل اخبار و ایجاد آشوب‌های خیابانی از سوی اراذل و اوباش، زمینه‌ساز اجرای کودتا را فراهم کردند. در این مقاله سعی شده‌است تا برابرمستندات، اقدامات این شبکه مورد بازخوانی قرار گیرد. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **در چیستی شبکه «تی پی بدامن»**

شبکه‌ی تی پی بدامن جزئی از برنامه‌ریزی و اقدامات جاسوسی و خرابکارانه «اداره هماهنگی سیاست‌ها» سازمان سیا بود که در سال ۱۳۲۸، به ریاست تی کابلر یانگ (استاد شرق‌شناسی دانشگاه پرنتون)، در سفارت امریکا در تهران و با هدف تأمین منافع این کشور، مقلبه و جلوگیری از تهدید شوروی، نفوذ کمونیسم و اقدامات حزب توده تأسیس شد.^(۱) سازمان سیا، شبکه‌ی تی پی بدامن را برای هدایت افکار عمومی و انجام دو گونه فعالیت از نوع جری روانی، در داخل ایران راه‌اندازی کرد. دونالد ویلبر معروف به «استاد تبلیغاتی» که از سال ۱۳۲۰، ش به همراه ریچارد کاتم سابقه حضور و جاسوسی در خارمیانه ایران را داشت، متخصص جنگ‌های تبلیغاتی روانی (که از سوی نویسندگان حرفه‌ای، کاریکاتورست‌ها، مترجمان و از طریق ارتباط مطمئن با سردبیران و مالکان روزنامه‌ها، رهبران احزاب و آدم جمع کن‌ها و سازمان دهندگان جمعیت‌انجام می‌یافت) ریاست بخش تبلیغات روانی در شبکه بدامن را به عهده داشت.^(۲) گذشته از مدیریت شبکه بدامن در تهران و واشنگتن، مأموران ایرانی و نیروهای دون‌پایه‌ترشان نیز جزومهمی از تشکیلات این شبکه بودند که تحت مدیریت مأموران سیا در ایران قرار داشتند. تی کار

عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



نقش شبکه تی‌پی‌بدامن در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در آیینه یک بازخوانی مستند

براندازی نهضت ملی ایران به مدد جنگ روانی رسانه‌ها

چاپ‌جوب همکاری اینتلجیت سرویس و سازمان بنویناد سیا بر مبنای امکانات غنی بومی MI-۶بودجه کلان سیا آغاز شد و مسئولیت اداره آن به عهده شاپور ربیورتر قرار گرفت که در همکاری با اسدالله علم اجرای پروژه را شروع کرد. دو ایرانی که در اسناد سیا به نام‌های رمز ترن و دروین، افترا و جعل وقایع و راه‌اندازی جنگ‌های روانی و تبلیغاتی، منافع و نفوذ کمونیسم و همین‌طور حزب توده را در ایران تحت فشار قرار دهند، روزولت چنان از هوش و اطلاعات و مهارت این دو ذوق زده شد که آنها را با خود به امریکا برد تا بعد از آشنایی و تأیید جان فاستر داس، برای انجام عملیات تبلیغات روانی بدامن در ایران، با دونالد ویلبر همکاری کنند.^(۳)

سیا بخشی از کامیابی خود را مدیون تلاش فوق‌العاده جاسوسان ایرانی‌اش بود. به گفته ویلبر این دو به سبب شیوه عقلاانه و صحیح خویش، بدون آنکه از مرکز فرماندهی دستوری دریافت کنند، در اسناد مورد تمجید قرار گرفتند. کیوایی و جلیلی، عوامل اصلی انجام تبلیغات سیا علیه دکتر مصدق به شمار می‌رفتند. آنان که فرمان شهاد را برای بر کناری مصدق تبلیغ می‌کردند، به دفاتر حزب پان‌ارانیست حمله برده، آنها را به آتش کشیدند و مسئول برپایی آشوب‌هایی بودند که عامل همه آنها حزب توده معرفی می‌شد.^(۴) یرواند آبراهامیان در کتاب کودتا، در معرفی آن دو می‌نویسد: «سیا سه چهره عملیاتی

داخلی نیز داشت که عبارت بودند از: سررنت عباس فرزانگه و دو مأمور با تجربه به نام‌های سیلی و ترن که روزولت اسمشان را برادران بوسکو – گناشته بود.» وی در ادامه اطلاعاتی را درباره برادران بوسکو می‌دهد: «برادران بوسکو که هویت واقعی آنان حتی از MI۶ نیز پنهان شده بود، فرخ کیوایی و علی جلالی بودند. آنان در واقع برادر نبودند. کیوایی حقوقدانی بسار روابط اقتصادی و بازرگانی در هامبورگ بود و جلالی روزنامه‌نگاری که به تناسب برای آسوشیئدپرس، دیلی تلگراف، اطلاعات هفتگی، میهن پرستان و تهران‌مصور کار کرده بود. روزولت وقتی آنان در سال ۱۳۲۹ استخدام شدند، برای آرزبایی به ایالات متحده امریکا آورده شدند و کشف به عمل آمد که از قبل هم فریب جاسوسی داشته‌اند. آنها انتقال جریان پول به لوتی‌های پایین شهر و زورخانه‌ها – به ویژه باشگاه ورزشی تاج – را بر عهده داشتند. همچنین به روزنامه‌ها و نشراتی نظیر: ملت ایران، ملت ما، آتش، داد، ستاره اسلام، آسیای جوانان، ندای سپهر و آرام پول می‌رساندند.»^(۵)

■ **ماهیت واقعی برادران بوسکو**

برخلاف نظر آبراهامیان، عبدالله شهبازی معتقد است که برادران بوسکو، شاپهور ربیورتر و اسدالله علم بودند: «پروژه بدامن یکی از نخستین پروژه‌هایی بود که در

دکتر محمد مصدق

در ۲۶ مرداد نشست موسوم به شورای جنگی، در سفار تخانه امریکا در تهران، به سر پرستی کریمیت روزولت و جرج کارول، با هدف سرنگونی مصدق برگزار شد. دیگر اعضای این جلسه عبارت بودند از: هندرسن، مک کلور متخصص در حوزه جنگ‌های روانی، تیمسار زاهدی، تیمسار گیلان‌شاه، سررهنگ فرز انگان، برادران رشیدیان و برادران بوسکو (اردشیر ربیور تر و اسدالله علم) در این جلسه تصمیم گرفته شد، عملیات کودتا در ۲۸ مرداد انجام شود

در کودتای ۲۸ مرداد داشتند.^(۱) ووداوس (مأمور بلند پایه انگلیس) در خاطراتش، دو نوع امکانات را برای اجرای عملیات چکمه (آزاکس) نام می‌برد. قسمتی از این تشکیلات، شامل افسران عالی‌رتبه ارتش و پلیس، نمایندگان مجلس و سنات، تجار و سردبیران روزنامه‌ها، سیاستمداران سالخورده و سردمداران تظاهرات کننده بودند. به گفته او «انان از چنان قدرتی برخوردار بودند که با هماهنگی شاه و حتی بدون وی می‌توانستند کنترول تهران را از دست مصدق در آورند و مصدق و وزرایش بازداشت کنند.»^(۲) بعد از نشست نیکوزیا، عوامل سیا از جمله روزولت، گویران، کارول ویلبر برای ایجاد هماهنگی، جلسه‌ای را در بیروت تشکیل دادند. در این جلسه افرادی که مجری کودتا در قرارگاه تهران بودند، مشخص شدند: ژوزف سسی گویدن رئیس قرارگاه تهران، جورج کارول رئیس اف‌ای تهران که مسئولیت برنامه‌ریزی نظامی را ابتدار و واشنگتن و سسیس در تهران بر عهده داشت و مسئول شاخه نظامی بدامن بود، دونالد ویلبر که وظیفه تأمین نیازهای تبلیغی برنامه را به عهده داشت، جان والر که مسئولیت پشتیبانی فرماندهی را در طول عملیات آزاکس بر عهده داشت و راجر گویران رئیس سابق قرارگاه تهران که مراحل اولیه و مقدماتی عملیات را در تهران رهبری می‌کرد.^(۳)

در تهران خبری که در گروه شاخه نظامی و شاخه روانی و تبلیغاتی، پشتیبانی از تدارکات عملیاتی قرارگاه تهران را عهده‌دار شدند. گروه اول با هدایت ویلبر، مسئولیت جنگ روانی را با دو شاخه عملیاتی تبلیغات روانی و راه‌اندازی جمعیت‌های خیابانی به عهده داشت که برادران بوسکو و برادران رشیدیان در راه‌اندازی این کارزار تبلیغاتی علیه مصدق، نقش مهمی داشتند.^(۴) کاریکاتورها و مقالاتی که از سوی نویسندگان و گروه‌های هنری در امریکا تهیه شده بود، توسط یک پیک به ایران آورده شد و قرارگاه مربوطه، توزیع این کارها را از سوی مأموران خویش آغاز کرد.^(۵) در این زمان شبکه بدامن برای ملئی کردن ارتباط دکتر مصدق با شوروی و حزب توده، اسنادی جعلی را منتشر کردند. سازمان سیا و سرویس اطلاعاتی بریتانیا با استفاده از تمام عناصر در دسترس و در نتیجه افزایش امکالت خود بر آن بودند تا مصدق را بدنام کرده او را با حزب توده پیوند دهند، متهم به هواداری از کمونیسم کنند و بدین ترتیب با احساسات مذهبی توده مردم بازی کنند.^(۶) علاوه بر این اعتراضات منتشر شده‌است، نامبرده در مقطع بحران نفت، برای یک دوره سه ساله به وزارت خارجه ایالات متحده آمد و به عنوان مشاور سیاسی هندرسن سفیر امریکا در ایران کار کرد. وی مسئولیت «عملیات در صحنه» را در طرح مشترک ام‌ای سیکس و سازمان سیا به عهده داشت.^(۷)

■ **شبکه بدامن و جنگ روانی علیه مصدق**

در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق، هم‌زمان با تحصن مدیران جراید مخالف دولت وی در مجلس شورای ملی و بعد از آن مجلس سنا در ۱۴ آذر ۱۳۳۰، ش. تعدادی از روزنامه‌نگاران و رجال سیاسی به دعوت دولت امریکایی به کشور مسافرت کردند. یکی از این افراد مصطفی الموتی بود که پس از مراجعت به ایران، اخبار مربوط به تحنن را در روزنامه‌داد منتشر کرد و وی مقالات تند علیه دولت مصدق در روزنامه «داد» می‌نوشت که منجر به دستور توقیف او شد.^(۸) در کنار شبکه تی‌پی‌بدامن، شبکه برادران رشیدیان و گروهی از افسران نظامی ایران، نقش مهمی به چشم می‌خورد!^(۹)

■ **تی‌پی‌بدامن و ایجاد اختلاف بین مصدق واحزاب**

یکی از اهداف شبکه تی پی بدامن، اختلاف‌افکنی میان اعضای احزاب، گروه‌ها و افرادی بود که تحت لوای جبهه ملی فعالیت می‌کردند. این شبکه با پرداخت کمک‌های مالی به اعضای حزب سومکا، پان ایرانیست و زحمتکشان، در جدایی آنها از مصدق نقش داشت.^(۱۰) تنها خلیل ملکی و هوادارانش بودند که با جدایی از مظفر بقایی، سازمانی به نام «نیروی سوم» را ایجاد کرده و با جمله معروف تا جهنم با مصدق خواهیم بود، در کنار مصدق ماندند.^(۱۱)

■ **تعطیلی مجلس**

شبکه بدامن با استفاده از توان مالی، وکلای مجلس را به سوی خود کشاند. به طوری که پایگاه سیا در تهران در ۱۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۲، ش. در هفته مبلغی بالغ بر یک میلیون ریال را به مصرف می‌ساند.^(۱۲)

۹ جوان

در پی مخالفت‌های عدیده برخی از نمایندگان مجلس با دکتر مصدق وی کوشید با اعلام تعطیلی مجلس و برگزاری رفراندوم، جلوی اقدامات آنان علیه دولت خود را بگیرد.^(۱۳) این تصمیم نخست وزیر با عکس‌العمل برخی از اعضای جبهه ملی مانند: واپوالحسن جانی‌زاده روپهر و شد. آنها به مصدق هشدار دادند که ممکن است در غیاب مجلس، شاه او را عزل کند، اما مصدق اعتنایی به این هشدار نکرد.^(۱۴)

■ **سازماندهی کودتا**

در شب ۲۴ مرداد ۱۳۳۲، یگان گارد سلطنتی وارد منزل نخست‌وزیر شد و نامه عزل وی و انتصاب تیمسار فضل‌الله زاهدی، از سوی سررهنگ نصیری تسلیم مصدق شد، اما وی دستور به بازداشت نصیری داد. بلافاصله یگان‌های وفادار به مصدق، شروع به دستگیری عوامل کودتا در تهران کردند و بامداد روز بعد، خبر شکست کودتا از رادیو پخش شد. به دنبال آن شاه با اطلاع از ناکامی کودتا، به همراه ملکه ثریا از ایران به بغداد و سپس به ایتالیا فرار کرد.^(۱۵) در ۲۶ مرداد نشست موسوم به «شورای جنگی»، در سفار تخانه امریکا در تهران، به سر پرستی کریمیت روزولت و جرج کارول، با هدف سرنگونی مصدق برگزار شد. دیگر اعضای این جلسه: هندرسن، مک کلور فرمانده هیئت اعزامی مکک نظامی امریکا در ایران و متخصص در حوزه جنگ‌های روانی، تیمسار فضل‌الله زاهدی، تیمسار گیلان‌شاه، سررهنگ فرز انگان، برادران رشیدیان و برادران بوسکو (اردشیر ربیور تر و اسدالله علم) بودند. در این جلسه تصمیم گرفته شد تا عملیات کودتا در ۲۸ مرداد انجام شود.^(۱۶) عمده برنامه‌های «شورای جنگ»، بر ایجاد جنگ روانی، حمله به روحانیت در تظاهرات حزب توده و همسو نشان دادن مصدق با این حزب تمرکز داشت. تبلیغات روانی از سوی برادران بوسکو از طریق روزنامه‌ها ادامه داشت. برادران بوسکو با دریافت ۵۰ هزار دلار از شبکه بدامن، این نکته را پوشش دادند که مصدق با ناقرمانی در برابر فرمان ششاه مبنی بر عزل وی و انتصاب سررهنگ زاهدی به مقام نخست‌وزیری، قصد انجام کودتا را دارد.^(۱۷)

■ **کلام آخر**

همانگونه که تجربه کودتای ۲۸ مرداد نشان می‌دهد، تبلیغات رسانه‌ای دشمن اگر با پاسخ و تبیین مسئولان و رهبران کشور مواجه نشود، شکست را به دنبال خواهد داشت. در طول چهار دهه عمر نظام جمهوری اسلامی، در هیچ برهه‌ای جنگ رسانه‌ای دشمن علیه این پدیده متوقف نشده‌است، بلکه روز به روز گسترش بیشتری یافته‌است به همین دلیل ضروری است که ضمن حفظ شهبازی، مقابله رسانه‌ای و فرهنگی با دشمن را در اولویت قرار دهیم.

■ **منابع**

- ۱- مارک گازیورسکی، کودتای ایرانی ۲۸ مرداد، قرنی، نوسه، ترجمه پهرنگ رجبی، تهران، نشر چشمه، چ ۲، ۱۳۹۸، ش.ص ۱۹۴.
- ۲- همان، ص ۳۶.
- ۳- کریمیت روزولت، کودتا: خاطرات کریمیت روزولت از کودتای ۲۸ مرداد، ترجمه محسن عسکری، تهران، نشر ثالث، ۱۳۹۳، ش.ص ۹۹، ۱۰۰.
- ۴- غلام‌رضاوطن‌دوست، اسناد سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد براندازی دکتر مصدق، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۹، ش.ص ۳۴.
- ۵- یرواند آبراهامیان، ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و امریکا در عصر مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتحی، تهران، نشرنی، ۱۳۹۲، ش.ص ۲۲۵.
- ۶- عبدالله شهبازی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ۲، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۷، ۲۲، ش.ص ۱۸۱ – ۱۸۰.
- ۷- کریمیت روزولت، کودتا، ص ۱۱۱.
- ۸- عبدالله شهبازی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۱۷۸.
- ۹- مصطفی الموتی‌نیا به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۹۴، ش.ص ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۸۶.
- ۱۰- گازیورسکی، همان، ص ۳۶.
- ۱۱- سی.ام. وودهاوس، اسرار کودتای ۲۸ مرداد، شرح عملیات چکمه (اجکس) از خاطرات سی.ام. وودهاوس، ترجمه نظام‌الدین دربندی، تهران، نشر رهنما، ۱۳۶۴، ش.ص ۵۵.
- ۱۲- کریستوفر جی پتریک، سازمان سیا در ایران، ترجمه واحد محلات، ۱۳۹۲، ش.ص ۳۶.
- ۱۳- گازیورسکی، همان، ص ۳۵.
- ۱۴- پتریک، ص ۳۵.
- ۱۵- غلام‌رضاوطن دوست، همان، ص ۳۲ – ۳۱.
- ۱۶- کریستوفر جی پتریک، همان، ص ۴۶.
- ۱۷- ویلبر، سرنگونی مصدق، نخست‌وزیر ایران، ص ۱۵۵ – ۱۵۴.
- ۱۸- گازیورسکی، همان، ص ۳۳.
- ۱۹- همان، ص ۳۰.
- ۲۰- همان، ص ۲۸.
- ۲۱- خلیل ملکی، خاطرات سیاسی خلیل ملکی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷، ش.ص ۹۳.
- ۲۲- وطن‌دوست، همان، ص ۹۶.
- ۲۳- محمد مصدق، خاطرات و تألمات مصدق، تهران، علمی، ۱۳۸۸، ش.ص ۲۲۶.
- ۲۴- محمدعلی همایون کاتوزیان، مصدق و مبارزه برای قدرت ایران، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، چاپ کرک، ۱۳۷۸، ص ۳۳۰.
- ۲۵- داربوش رحمانیان، ایران بین دو کودتا، تهران، سمت، ۱۳۹۴، ش.ص ۴۴.
- ۲۶- علی رهنما، پشت پرده کودتا، ترجمه فریدون رشیدیان، تهران، نشرنی، ۱۳۹۹، ش.۲۴۵.
- ۲۷- محمد مصدق، همان، ص ۲۲۵.